

سؤال چهره ماندگار فلسفه از کارل مارکس

غلامحسین ابراهیمی‌دینانی چهره ماندگار فلسفه ایران گفت: اگر مارکس اینجا بود من سؤال می‌کردم آیا کسی که تعبیر عالم را نداند می‌تواند جهان را تغییر دهد؟



غلامحسین ابراهیمی‌دینانی چهره ماندگار فلسفه ایران گفت: اگر مارکس اینجا بود من سؤال می‌کردم آیا کسی که تعبیر عالم را نداند می‌تواند جهان را تغییر دهد؟

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، غلامحسین ابراهیمی‌دینانی چهره ماندگار فلسفه ایران در برنامه اخیر معرفت درباره مطلق و مقید سخن گفت که برخی از نکات آن بدین شرح است:

مطلق بی مقید نباشد و مقید بی صورت نباشد اما مقید محتاج است به مطلق و مطلق مستغنی از مقید. پس استلزام از طرفین است و احتیاج از یک طرف.

مطلق و مقید اصل اساس عالم است که اگر این مسئله برای بشر حل می‌شد، شاید تمام مسائل حل می‌شد. مخاطبان شاید مطرح کنند که مگر مطلق و مقید چقدر مهم است که بنده اینگونه می‌گویم؟ کلمه مطلق از اطلاق می‌آید که واژه‌ای عربی به معنای رهایی و آزادی است اما مقید یعنی قید و بند. این روزها تا یک سری مباحث الهی مطرح می‌شود با توجه به اینکه قالب مردم جنبه پوزیتویستی پیدا کرده‌اند، همه فوری می‌گویند که این مباحث انتزاعی است. درست است انتزاعی باشد اما من می‌پرسم از اینها که انتزاع یعنی چه؟ چرا انسان می‌تواند مطلق را انتزاع کند؟ آیا انتزاع ملاک دارد یا خیر؟ اینها را باید جواب بدهند، اگر انتزاع ملاک دارد اگر ملاک ندارد پس انسان مزخرف می‌گوید، انسان‌ها هم که مزخرف نمی‌گویند مگر اینکه دیوانه باشند و حرفشان ملاک نداشته باشد.

مطلق اصل هستی است، بدون مقید نیست همان کسی که می‌گوید مطلق خودش قیدی دارد، مطلق اگر مقید نداشت ظاهر نمی‌شد، مقید هم بدون مطلق معنی ندارد. هستی بماهو هستی صرف نظر از قید را می‌توانیم بفهمیم که هست ولی نمی‌توانیم نشان دهیم اگر این مسئله را جهان می‌فهمید ما خیلی مشکلات را نداشتیم جهان امروز که جهان علم است جهان مقید است از آزمایشگاه همه چیز را می‌بینیم البته ما با علم جنگی نداریم مخلص علم هم هستیم اما همیشه مقید می‌بیند علم اصلاً مطلق را نمی‌تواند ببیند، اما یک دانشمند می‌داند که مقید بدون مطلق معنی ندارد.

عدم وجود ندارد اما تصور ما از عدم وجود دارد اینها را ما توجه نمی‌کنیم دنیای امروز کوشش می‌کند که جهان حقیقی را بفهمد حتی علما می‌گویند که جهان حقیقی را خوب نفهمیده است و علم امروز جهان حقیقی را دارد می‌فهمد و این را هم نشان می‌دهند، جهان حقیقی بدون انسان حقیقی قابل فهم نیست جهان حقیقی را انسان مجازی نمی‌فهمد انسان حقیقی می‌فهمد.

بنده بازی با واژه‌ها را دوست دارم، ما یک وقت عالم را تعبیر می‌کنیم یک وقت تغییر. مارکسیست‌ها و حتی پوزیتویست‌ها و در رأس آنها مارکس این ادعا را کرد که تاکنون فلاسفه و متفکران عالم جهان را تعبیر کرده‌اند، من آمده‌ام که جهان را تغییر دهم و از تعبیر گذشته‌ام. اگر مارکس اینجا بود من سؤال می‌کردم آیا کسی که تعبیر عالم را نداند می‌تواند جهان را تغییر دهد؟ تغییر بدون تعبیر ممکن است زمانی شما می‌توانی چیزی را تغییر دهی که آن را بشناسی. اگر عالم را بشناسی آری می‌توانی آن را تغییر دهی و وقتی می‌توانی آن را تغییر دهی که خود را تغییر داده باشی. جهان حقیقی در اثر فهم انسان حقیقی است و تغییر عالم در گرو توصیف و تعبیر عالم است. اگر به درستی نتوانی آن را تعبیر کنی هرگز قادر نخواهی بود آن را تغییر دهی.